

# شاخصهای ازدواج و طلاق و بررسی تغییرات آن در کشور با تأکید بر آمارهای استانی طی سالهای ۸۶-۱۳۸۱\*

محمد احمدی موحد<sup>۱</sup>

## چکیده

در چند سال اخیر، بخصوص آخرین سال مورد بحث این مقاله (۱۳۸۶)، هر چند روند شاخص ازدواج روندی افزایشی نشان می دهد و در بسیاری از استانها رضایت بخش است ولی میزان این شاخص در برخی استانها که شهرهای بزرگ را در خود دارند از جمله استان تهران امیدوار کننده نیست. در این سال شاخص طلاق روندی نگران کننده در پیش گرفته و با افزایش مواجه بوده است، متأسفانه در حال حاضر این نگرانی مربوط به همه استانهای کشور می باشد و با توجه به روند کنونی آن و شرایط فعلی، در آینده نیز می توان انتظار افزایش این شاخص را در همه استانهای کشور داشت. در این مقاله سعی شده است ضمن تبیین مفاهیم ازدواج و طلاق و جنبه‌های مرتبط با آن، شاخصهای ازدواج و طلاق را طی یک روند شش ساله (۸۶ - ۱۳۸۱) با توصیف و تحلیل داده‌ها و جداول مربوطه، بررسی و وضعیت این شاخصها را در کشور به تفکیک استان مشخص و تا حد امکان، نکات مهم آنها برجسته نموده که در آخر هر قسمت فهرست وار آورده شده است. در آغاز مقاله، مفاهیم ازدواج و طلاق را توضیح داده و نحوه محاسبه هر شاخص در قسمت مربوطه اشاره شده است و سرانجام در پایان مقاله سعی شده توصیه‌های لازم جهت متعادل نمودن شاخصهای ازدواج و طلاق ارائه شود.

## واژگان کلیدی

میزان عمومی ازدواج، میزان عمومی طلاق، نسبت طلاق به ازدواج، میانگین شش ساله میزان عمومی ازدواج، میانگین شش ساله میزان عمومی طلاق، میانگین شش ساله نسبت طلاق به ازدواج.

---

\* این مقاله در ویرایش قبلی خود که با آمار و اطلاعات سالهای ۸۱-۱۳۷۵ تدوین شده بود، در اولین همایش انجمن جمعیت شناسی (بهمن ۱۳۸۱) پذیرفته شده بود و در کتاب مجموعه مقالات آن همایش به چاپ رسید.

## مقدمه

خانواده به عنوان هسته اجتماع از دیرباز مورد توجه مسؤولان جامعه و متخصصان جامعه‌شناسی بوده است. در جوامع سنتی بویژه جوامعی که با زیربنای اخلاقی محکم شکل گرفته‌اند ازدواج بعنوان یک واقعه مهم حیاتی محسوب می‌شود و بسیاری از جوانان یکی از ایده‌آل‌های خود را در تشکیل خانواده می‌بینند. در واقع هم، آغاز زندگی مشترک و قبول مسؤولیت اداره خانواده یک رویداد مهم حیاتی است زیرا ازدواج و گزینش همسر از مهمترین شاخص‌های تحرک اجتماعی در هر جامعه است اما متأسفانه همه زندگیهای مشترک عاقبت خوش ندارند و درصدی از خانواده‌های تازه تشکیل شده به دلایل مختلف پس از مدتی از هم می‌پاشد.

بسیاری از جامعه‌شناسان و روانشناسان عدم شناخت کامل دو طرف، نرسیدن زوجین به بلوغ روانی و عاطفی، عدم مسؤولیت‌پذیری آنان و اختلاف فرهنگی را از مهمترین دلایل طلاق می‌دانند. این مسئله در جوامعی که زیربنای اخلاقی محکمی نداشته و به چهارچوب امن خانواده بی‌اعتنا می‌باشند بیشتر دیده می‌شود و باعث شده که از میزان ازدواجها کاسته شده و بر عکس بر میزان طلاقها افزوده شود. افزایش رشد طلاق با افزایش رشد آسیبهای اجتماعی رابطه مستقیم دارد زیرا یکی از شاخص‌های نابهنجاری جامعه می‌باشد.

توجه اولیاء به سرنوشت فرزندان بالغ و تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی موجب گشته است که ازدواج و طلاق هم از دید اولیاء و توجه آنها به سرنوشت فرزندان و هم از دید اجتماعی و اخلاق عمومی، مورد توجه مداوم قرار گیرد.

## طرح و ضرورت مسئله

خانواده نخستین سازمان اجتماعی به شمار می‌رود و مجموعه این واحدهای اجتماعی است که جامعه را بوجود می‌آورند و فضای فکری و اقتصادی جامعه موارد طرز تفکر آن محسوب می‌گردد. خانواده با ازدواج تشکیل می‌شود بنابراین، ازدواج مرحله مهمی از زندگی است مرحله‌ای که در میان سایر مراحل زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آغاز زندگی مشترک، تشکیل خانواده‌ای جدید، پدر یا مادر شدن اتفاقاتی است که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روحی و روانی اثرات عمیقی در زندگی هر فرد می‌گذارد. زمانی که دختر و پسر جوانی سر سفره عقد می‌نشینند و برای آغاز زندگی مشترک پیمان می‌بندند بر این باورند که تا پایان عمر در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد، در صورتیکه عواملی که بر ازدواج موثر می‌باشند رعایت نگردد، پایه خانواده سست گشته و گسیختگی چنین کانونی بسیار محتمل است و پدیده‌ای بنام طلاق را در خانواده‌ها بروز می‌دهد که مطلوب هیچ یک از زوجین نخواهد بود.

متأسفانه در سالهای اخیر، سستی و گسیختگی در میان خانواده‌ها رو به افزایش بوده، بطوری که به شکل یک معضل بخصوص در شهرهای بزرگ درآمده است و ضرورت دارد که مسؤولان امر و تصمیم‌گیران، اقدامات و تصمیماتی را جهت پیشگیری این معضل اجتماعی اتخاذ نمایند.

وقایع چهارگانه (موالید، مرگ و میر، ازدواج و طلاق) از مهمترین اطلاعات ثبتي هر کشور محسوب می‌شوند که اگر بطور دقیق و در زمان خود ثبت شوند می‌توانند اطلاعات مفیدی را در اختیار کارشناسان، مجریان و تصمیم‌گیران قرار داده و بستر مناسب تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی باشند. از میان وقایع چهارگانه ذکر شده، امروزه ازدواج و طلاق اهمیت خاصی پیدا کرده، بطوریکه افزایش و یا کاهش هر یک از اینها در هر شکل باعث ایجاد بیم و امیدها

در میان افراد جامعه شده است. البته بایستی متذکر شد که خود واقعه طلاق نیز پیامد عواملی مانند بیکاری، فقر، اعتیاد و ... می باشد.

در این مجموعه با استفاده از اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور سه شاخص «میزان عمومی ازدواج» - «میزان عمومی طلاق» و «نسبت طلاق به ازدواج» برای شش سال (۸۶ - ۱۳۸۱) به تفکیک استان و روند تغییرات آنها طی این سالها نشان داده شده است.

### تعریف مفاهیم

در این قسمت به دلیل محدودیت سعی شده بطور خلاصه ابتدا به تعاریف مفاهیم ازدواج و طلاق و سپس به جنبه‌های دیگر، فهرست وار اشاره شود.

### الف) ازدواج

- **تعریف ازدواج:** ازدواج از مهمترین پدیده های اجتماعی است. برخی را عقیده بر این است که کار ازدواج جز تنظیم قانونی و شرعی ساختن روابط جنسی نیست به عبارت دیگر هدف ازدواج تنها تمتع است و عقد ازدواج، نیاز جنسی را در قالبی جامعه پسند ارضا می کند. جمعی دیگر از دانشمندان مقصد ازدواج را تولید نسل و تشکیل خانواده می دانند و برآنند که صرف ایجاد رابطه جسمانی، اگر فرض آوردن و پرورش فرزندان نباشد، ازدواج حقیقی بوجود نمی آید. بسیاری دیگر برآمیزش روانی ناشی از ازدواج تکیه دارند و براین اعتقادند که زناشویی در حقیقت به رهایی انسان از تنهایی و پیوند با جامعه می انجامد (ساروخانی، ۱۳۷۰ ص ۴۱۷).

کارلسون در اثرش انطباق پذیری و ارتباط در ازدواج، این تعریف را از ازدواج بدست می دهد: «ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که

برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و بطور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است.»

کلود لوی اشتروس معتقد است که «ازدواج برخورداردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳).

**اهداف ازدواج:** ازدواج باید: ۱- دارای مجموعه‌ای از اهداف انسانی و مقدس باشد ۲- در سایه ازدواج ارضاء غریزه جنسی صورت گیرد ۳- مسأله بقای نوع و طهارت آن کاملاً مطرح باشد ۴- کمال و آرامش آدمی در سایه مودتی خالصانه تأمین گردد (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۵۴).

## آثار و نتایج ازدواج

ازدواج نیز مانند هر پدیده اجتماعی دیگر جهات مثبت و منفی را با هم داراست. که بطور خلاصه و فهرست وار عبارتند از:

- **آثار مثبت:** تشکیل خانواده و بقاء نسل، استحکام، استقرار تکوین شخصیت، تکمیل و تکامل، مسؤولیت پذیری، واقع نگری، نزول رحمت پروردگار، افزایش رزق و روزی، کاهش انحرافات جنسی و اخلاقی، آرامش و اطمینان، سلامت جسم و روح، کاهش میزان جرائم.

- **آثار منفی:** دورکیم اثر منفی ازدواج را روی زنان بیان کرده است. آمارهای خودکشی که بوسیله وی تجزیه و تحلیل شده نشان می‌دهد که ازدواج، مرد را در مقابل خودکشی حفظ می‌کند، در حالیکه برای زن چنین موقعیتی را بوجود نمی‌آورد. به علاوه در بعضی گروههای سنی، ازدواج، موقعیت خودکشی را برای زنان مناسب‌تر می‌سازد. در فرانسه

زنان ازدواج کرده بدون بچه بیشتر خودکشی می کنند تا زنان ازدواج نکرده در همان سن و سال.

نتیجه اینکه جامعه زن و شوهری به زیان زن و افزایش گرایش آنان به خودکشی است (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۰۲).

### ب) طلاق

- **تعریف طلاق:** طلاق در لغت به معنی جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است (فرهنگ عمید) و به بیان برخی رها شدن از قید نکاح است (منتخب اللغات). در عرف عام معنای جدایی از آن در ذهن متبادرمی شود.

بعضی طلاق را در معنای بیزاری به کار برده اند. دهخدا نیز طلاق نامه را در همین سیاق، بیزاری نامه می خواند (ساروخانی، ۳۷۶ ص ۱ و ۲).

- **دلایل طلاق:** دلایل متعددی می تواند داشته باشد که در جوامع مختلف باتوجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها می تواند متفاوت باشد. در اینجا دلایل طلاق را که درسه تحقیق متفاوت در ایران، آمریکا وچهل کشور غیراروپایی بعمل آمده ذکر شده است که مهمترین آنها به شرح ذیل می آید (همان منبع، ص ۴۹-۴۷).

چهل کشور غیراروپایی	آمریکا (سال ۱۹۶۶)	ایران سال (۱۳۶۰)
ناسازگاری و عدم توافق	آزار بدنی	نداشتن توافق اخلاق
خیانت	بد دهنی	تنفر و کراهت زوج
خیانت مفرط و مکرر	مسائل مالی	تنفر و کراهت زوجه
نازائی یا عقیم بودن	اعتیاد به مشروبات الکلی	اعتیاد
ناتوانی یا عدم تمایل جنسی	ترک خانه و عدم توجه به آن و فرزندان	نازائی زن
عدم پرداخت نفقه	داشتن روح خشن و ناسازگار	داشتن زنهای دیگر
بدخلقی	خیانت	اختلاف سن
رفتار بد یا آزار بدنی	ناسازگاری جنسی	فساد اخلاق زوج

## پیشینه تحقیق

در ویرایش قبلی مقاله (۸۱-۱۳۷۵)، می توان به خلاصه ای از یافته های آن اشاره نمود، نکته قابل توجه در بررسی این دوره و دوره جدید (۸۶-۱۳۸۱) این است که استان تهران همچنان روند ناامید کننده ای را در هر سه شاخص دارد که می تواند مبنای تحقیقات بسیاری در خصوص دلایل و آثار آن برای محققین باشد.

## خلاصه یافته های سالهای ۸۱-۱۳۷۵

### میزان عمومی ازدواج

- در سال ۱۳۸۱، میزان عمومی ازدواج کشور با کاهش روبرو بوده است.
- در سال ۱۳۸۱، استان خراسان با ۱۲۳/۷ در ده هزار نفر بیشترین میزان عمومی ازدواج را داشته است.
- در سال ۱۳۸۱، استان سیستان و بلوچستان با ۵۷/۹ در ده هزار نفر کمترین میزان عمومی ازدواج را داشته است.
- میزان عمومی ازدواج کشور در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال ۱۳۷۵ حدود ۲۰ درصد هزار افزایش داشته است.
- استان خراسان در سال ۱۳۸۱ با ۳۵ درصد هزار بیشترین افزایش میزان عمومی ازدواج را در مقایسه با سال ۱۳۷۵ داشته است.
- استان اصفهان در سال ۱۳۸۱ با ۶ درصد هزار کمترین افزایش میزان عمومی ازدواج را در مقایسه با سال ۱۳۷۵ داشته است.

### میزان عمومی طلاق

- طی سالهای ۸۱-۱۳۷۵ میزان عمومی طلاق کشور روندی کاملاً صعودی داشته است.

- در سال ۱۳۸۱، استان تهران با ۱۶/۵ در ده هزار نفر بیشترین میزان عمومی طلاق را داشته است.
- در سال ۱۳۸۱، استان سیستان و بلوچستان با ۲/۷ در ده هزار نفر کمترین میزان عمومی طلاق را داشته است.
- میزان عمومی طلاق کشور در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال ۱۳۷۵ حدود ۴ در ده هزار نفر افزایش داشته است.
- استان‌های مرکزی و قم در سال ۱۳۸۱ با حدود ۸ در ده هزار نفر بیشترین افزایش میزان عمومی طلاق را در مقایسه با سال ۱۳۷۵ داشته‌اند.
- استانهای گیلان، سیستان و بلوچستان و یزد در سال ۱۳۸۱ با کمتر از دو در ده هزار نفر کمترین افزایش میزان عمومی طلاق را در مقایسه با سال ۱۳۷۵ داشته‌اند.

### نسبت طلاق به ازدواج

- در سال ۱۳۸۱، نسبت طلاق به ازدواج کشور با افزایش روبرو بوده است.
- در سال ۱۳۸۱، از هر ۱۰ ازدواج، در کشور حدود ۱ مورد آن به طلاق منجر شده است.
- در سال ۱۳۸۱، استان تهران با ۱۷/۹ درصد بیشترین نسبت طلاق به ازدواج را داشته است، یعنی حدوداً از هر ۶ ازدواج، ۱ مورد طلاق صورت گرفته است.
- در سال ۱۳۸۱، استان چهارمحال و بختیاری با ۴/۳ درصد کمترین نسبت طلاق به ازدواج را داشته است، یعنی حدوداً از هر ۲۳ ازدواج، ۱ مورد آن به طلاق منجر شده است.
- نسبت طلاق به ازدواج کشور در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال ۱۳۷۵ معادل ۲/۴ درصد افزایش داشته است.
- استان مرکزی و قم در سال ۱۳۸۱ با ۶/۴ درصد، بیشترین افزایش نسبت طلاق به ازدواج را در مقایسه با سال ۱۳۷۵ داشته‌اند.

- استان لرستان در سال ۱۳۸۱ با ۰/۰۸ درصد، کمترین افزایش نسبت طلاق به ازدواج را در مقایسه با سال ۱۳۷۵ داشته‌است.

- استان گیلان در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال ۱۳۷۵ نه تنها افزایشی در نسبت طلاق به ازدواج نداشته، بلکه با کاهش نیز روبرو بوده است.

### روش مطالعه و انجام کار

هر تحقیق می‌بایست بر اساس مسأله اصلی، اهداف، فرضیات، امکانات ویژه، ملاحظات اخلاقی، طرح و روش خاص را انتخاب نماید تا به مدد آن بتواند به شناخت منظم و سازماندهی شده واقعیت دست یابد.

در زمینه پژوهش‌های کاربردی، روش‌های متعددی وجود دارد که به هر یک از آنها بر حسب ویژگی‌های پرسش‌های پژوهشی، موقعیت‌ها و شرایط خاص مطالعه، ممکن است نام‌های مختلفی اختصاص داده شود. اهم این مطالعات عبارتست از: مطالعات موردی، تاریخی، توصیفی، اکتشافی، طولی، تطبیقی، میدانی، آزمایشگاهی، تجربی و پس رویدادی، همبستگی و همخوانی، تجربی حقیقی و شبه تجربی (هومن، ۱۳۷۳، ص ۲۵۱).

تحقیق حاضر با توجه به هدف اصلی خود، روش توصیفی (**discriptive**) را انتخاب نموده است.

مراحل انجام کار موضوع این مقاله بدین صورت است که، ابتدا داده های ازدواج و طلاق را با نرم افزار **Excel** پردازش و سپس میزانشا و جداول مورد نظر تهیه شده است.

## یافته‌های تحقیق

در این قسمت سعی شده به شاخصهای ازدواج و طلاق طی روندی شش ساله (۸۶-۱۳۸۱)

(۱۳۸۱)

و میانگین شش ساله آنها اشاره شود.

### ۱. میزان عمومی ازدواج:

بر اساس جدول شماره یک، میزان عمومی ازدواج\* کشور طی سالهای ۸۶-۱۳۸۱ روندی صعودی داشته (از ۹۸/۲ به ۱۱۷/۵ در ده هزار نفر رسیده است)، که در سال ۱۳۸۵ این میزان کاهش یافته است، به عبارت دیگر در سال ۱۳۸۱ از هر ده هزار نفر جمعیت کشور حدود ۹۸ نفر ازدواج نموده‌اند که طی یک روند صعودی در سال ۱۳۸۴ این میزان به حدود ۱۱۳/۵ در ده هزار نفر رسیده است ولی در سال ۱۳۸۵ این روند صعودی بهم خورده و به حدود ۱۱۰/۴ در ده هزار نفر کاهش و سرانجام در سال ۱۳۸۶ به حدود ۱۱۷/۵ در ده هزار نفر افزایش یافته است.

با مقایسه میزان عمومی ازدواج در استانها مشاهده می‌شود که ۱۲ استان کشور روند تغییرات مشابهی را همانند کشور نشان می‌دهند. یعنی طی سالهای ۸۴-۸۱ میزان عمومی ازدواج روندی صعودی داشته ولی در سالهای ۸۵ کاهش و سپس مجدداً در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۶ میزان عمومی ازدواج تمامی استانهای کشور نسبت به سال ۱۳۸۱ روندی کاملاً صعودی داشته اند، ولی در اکثر استانها روند تغییرات میزان عمومی ازدواج طی سالهای ۸۶-۱۳۸۱ با نوسان همراه بوده است.

\*  $10000 \times \frac{\text{تعداد ازدواج در یک سال}}{\text{میزان عمومی ازدواج}}$

در سال ۱۳۸۶، استان خراسان شمالی با ۱۴۷/۱ در ده هزار بیشترین میزان عمومی ازدواج را داشته و پس از آن استانهای گلستان، اردبیل و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۱۳۸/۸، ۱۳۸/۲ و ۱۳۸/۰ در ده هزار در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند، همچنین استان تهران با ۸۸/۹ در ده هزار کمترین میزان عمومی ازدواج را داشته و پس از آن استانهای سمنان و سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۱۰۱/۶ و ۱۰۴/۰ در ده هزار در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند.

**میانگین شش ساله میزان عمومی ازدواج** کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ حدود ۱۰۷/۸ در ده هزار بوده است. با توجه به جدول شماره ۱، استان اردبیل با ۱۲۸/۲ در ده هزار نفر بیشترین میانگین شش ساله میزان عمومی ازدواج را داشته (البته خراسان شمالی در این آمار بیشترین میزان را بخود اختصاص داده است ولی به دلیل اینکه این استان در سال ۱۳۸۲ از خراسان بزرگ مستقل شده است این میانگین چهار ساله می باشد، یعنی بین سالهای (۸۶- ۱۳۸۳) و پس از آن استانهای همدان، خراسان رضوی و کردستان به ترتیب با ۱۲۴/۵، ۱۲۴/۳ و ۱۲۴/۲ در ده هزار نفر در مراتب بعدی قرار داشته‌اند، در صورتیکه استانهای تهران و سمنان به ترتیب با حدود ۸۸/۵ و ۹۱/۳ در ده هزار نفر کمترین میانگین میزان عمومی ازدواج را داشته‌اند. میانگین میزان عمومی ازدواج ۲۳ استان کشور از متوسط کشوری (حدود ۱۰۷/۸ در ده هزار) بیشتر و دیگر استانها (۷ استان دیگر) از متوسط کشوری کمتر بوده است.

چنانچه بخواهیم میزان عمومی ازدواج سال ۱۳۸۶ را با سال ۱۳۸۱ مقایسه نماییم، مشاهده می‌شود که میزان عمومی ازدواج کل کشور در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۱ حدود ۲۰ درصد در ده هزار و یا ۰/۲ درصد افزایش داشته است. کلیه استانها نیز با افزایش در میزان عمومی ازدواج همراه بوده‌اند، استان هرمزگان با ۵۷ درصد بیشترین افزایش را داشته و پس از آن استانهای کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و گلستان به ترتیب با ۴۹ درصد (۰/۴۹ درصد)، ۴۸ درصد (۰/۴۸ درصد) و ۳۸ درصد (۰/۳۸ درصد)

در مراتب بعدی قرار گرفته اند، در صورتیکه استان تهران با کمتر از ۱ در ده هزار (۰/۰۱ درصد) کمترین افزایش را داشته که پس از آن استانهای مرکزی و گیلان با ۴ در ده هزار (۰/۰۴ درصد) و ۵ در ده هزار (۰/۰۵ درصد) در مراتب بعدی قرار داشته اند. نرخ ازدواج در جوامع سنتی از ۹/۵ در هزار (۹۵ در ده هزار) بالاتر است (فصلنامه جمعیت، ۱۳۷۳، ص ۵۵). ولی با اتکاء به آمارهای موجود مشاهده می شود که نرخ ازدواج کشور تا سال ۱۳۷۷ از این میزان پایین تر بوده ولی از سال ۱۳۷۸ به بعد میزان ازدواج از ۹/۵ در هزار (۹۵ در ده هزار) بالاتر بوده است.

این امر می تواند نشان دهنده این موضوع باشد که از سال ۱۳۷۸ در جامعه جهشی چشمگیر در میزان ازدواج صورت گرفته است، (بطوریکه از ۸۶/۵ در ده هزار در سال ۱۳۷۷ به ۱۰۲/۰ در ده هزار در سال ۱۳۷۸ رسیده و افزایشی حدود ۱۵/۵ در ده هزار داشته است). چنین افزایشی بندرت دیده شده است، که ناشی از افزایش میزان ازدواج تعدادی از استانهای کشور بوده است. مثلا استانهای تهران، خراسان، زنجان و سیستان و بلوچستان بیشترین افزایش را نشان می دهند. این امر همچنین می تواند بیانگر این موضوع نیز باشد که تا سال ۱۳۷۷ ثبت تعدادی از ازدواجها انجام نشده است ولی از سال ۱۳۷۸ به بعد این مسئله بهبود یافته است. (آمار مربوط به ویرایش قبلی مقاله در مقطع زمانی سالهای ۸۱-۱۳۷۵)

### - مقایسه میزان عمومی ازدواج سال ۱۳۸۶ با ۱۳۸۵

میزان عمومی ازدواج کشور در سال ۱۳۸۶، برابر ۱۱۷/۵ در ده هزار بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵ با افزایشی معادل ۷ در ده هزار مواجه بوده و از ۱۱۰/۴ در ده هزار در سال ۱۳۸۵ به ۱۱۷/۵ در ده هزار در سال ۱۳۸۶ رسیده است.

در همین سال میزان عمومی ازدواج تمامی استانهای کشور نیز همانند کشور نسبت به سال ۱۳۸۵ با افزایش مواجه بوده است که استان سیستان و بلوچستان با بیشترین افزایش از ۸۲/۴ در ده هزار به ۱۰۴/۰ در ده هزار رسیده و با افزایشی معادل ۲۱/۶ در ده هزار مواجه بوده است. پس از آن، استان هرمزگان، افزایشی معادل ۱۸/۹ در ده هزار داشته که از ۱۰۸/۷ در ده هزار به ۱۲۷/۷ در ده هزار رسیده است.

جدول ۱: میزان عمومی ازدواج (در ۵۵ هزار نفر)

استان	میانگین	سال ۸۶	سال ۸۵	سال ۸۴	سال ۸۳	سال ۸۲	سال ۸۱
کل کشور	۱۰۷,۷۸	۱۱۷,۴۶	۱۱۰,۴۰	۱۱۳,۵۳	۱۰۵,۹۳	۱۰۱,۱۷	۹۸,۱۸
آذربایجان شرقی	۱۱۵,۶۶	۱۲۷,۶۳	۱۱۹,۸۵	۱۲۱,۲۵	۱۱۴,۶۰	۱۰۸,۳۲	۱۰۲,۳۱
آذربایجان غربی	۱۱۴,۶۹	۱۳۱,۸۳	۱۲۱,۲۸	۱۲۰,۳۳	۱۱۰,۷۷	۱۰۶,۴۰	۹۷,۵۳
اردبیل	۱۲۸,۱۵	۱۳۸,۲۱	۱۳۱,۵۵	۱۳۴,۸۱	۱۲۷,۶۰	۱۲۱,۰۱	۱۱۵,۷۰
اصفهان	۱۰۱,۵۰	۱۰۹,۱۴	۱۰۳,۸۳	۱۰۶,۳۰	۹۸,۴۶	۹۷,۳۶	۹۳,۹۰
ایلام	۹۶,۰۶	۱۱۰,۹۵	۹۷,۳۸	۱۰۰,۳۰	۹۵,۷۳	۸۹,۲۹	۸۲,۶۸
بوشهر	۱۰۸,۲۹	۱۲۱,۹۰	۱۰۹,۰۸	۱۱۲,۹۴	۱۰۶,۶۹	۱۰۲,۰۶	۹۷,۰۸
تهران	۸۸,۴۹	۸۸,۹۳	۸۵,۶۶	۹۰,۴۵	۸۸,۹۱	۸۸,۹۴	۸۸,۰۷
چهارمحال و بختیاری	۱۱۴,۲۴	۱۳۸,۰۵	۱۲۱,۲۴	۱۲۶,۷۷	۱۰۸,۴۶	۹۲,۸۲	۱۰۱,۱۰
خراسان جنوبی	۱۱۴,۶۶	۱۲۳,۴۳	۱۱۷,۸۱	۱۰۹,۸۹	۱۰۶,۶۴	*	*
خراسان رضوی	۱۲۴,۲۹	۱۳۵,۰۸	۱۳۰,۲۷	۱۳۳,۸۰	۱۲۱,۱۰	۱۱۱,۴۹	۱۱۳,۹۹
خراسان شمالی	۱۳۳,۸۲	۱۴۷,۰۹	۱۳۴,۲۱	۱۳۳,۳۷	۱۲۰,۶۲	*	*
خوزستان	۱۰۹,۴۰	۱۲۰,۸۲	۱۱۳,۳۹	۱۲۸,۳۵	۱۰۵,۱۰	۹۶,۴۵	۹۲,۲۹
زنجان	۱۲۲,۹۲	۱۳۷,۸۵	۱۲۶,۶۲	۱۲۶,۲۶	۱۱۹,۹۱	۱۱۹,۹۵	۱۰۶,۹۵
سمنان	۹۱,۲۹	۱۰۱,۵۵	۹۲,۱۸	۸۸,۳۸	۸۵,۴۷	۸۹,۳۲	۹۰,۳۶
سیستان و بلوچستان	۷۴,۵۱	۱۰۴,۰۴	۸۲,۴۰	۷۷,۳۲	۶۲,۷۸	۶۳,۶۰	۵۶,۸۳
فارس	۱۰۹,۹۸	۱۲۴,۶۶	۱۱۶,۳۳	۱۱۵,۴۴	۱۰۷,۲۳	۱۰۰,۷۳	۹۵,۴۷
قزوین	۱۱۰,۰۵	۱۱۶,۱۱	۱۱۰,۰۲	۱۱۴,۵۰	۱۰۷,۴۸	۱۰۷,۳۱	۱۰۴,۸۹
قم	۱۱۳,۴۹	۱۱۸,۲۵	۱۱۶,۳۲	۱۱۹,۷۱	۱۱۵,۳۳	۱۰۵,۲۴	۱۰۶,۱۲
کردستان	۱۲۴,۱۶	۱۳۵,۸۲	۱۲۳,۲۸	۱۲۷,۳۸	۱۲۳,۴۶	۱۲۰,۱۴	۱۱۴,۸۷
کرمان	۱۰۸,۹۹	۱۱۷,۰۶	۱۱۵,۵۳	۱۱۵,۶۹	۱۱۴,۱۵	۹۵,۱۳	۹۶,۳۸
کرمانشاه	۱۱۳,۵۷	۱۱۹,۹۳	۱۱۶,۴۸	۱۱۵,۵۲	۱۱۲,۷۹	۱۱۱,۶۰	۱۰۵,۱۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۲,۸۸	۱۲۱,۵۱	۱۱۰,۷۴	۱۰۸,۵۲	۹۸,۲۶	۹۵,۳۳	۸۲,۹۰
گلستان	۱۲۱,۹۴	۱۳۸,۷۹	۱۳۰,۶۵	۱۳۲,۸۹	۱۱۹,۳۵	۱۰۹,۹۶	۱۰۰,۰۲
گیلان	۱۱۶,۵۲	۱۱۸,۵۷	۱۱۵,۲۲	۱۱۸,۷۳	۱۱۴,۹۲	۱۱۷,۶۹	۱۱۴,۰۰
لرستان	۱۱۶,۹۷	۱۲۸,۰۸	۱۱۹,۷۷	۱۲۶,۸۹	۱۱۱,۴۴	۱۰۸,۸۸	۱۰۶,۷۳
مازندران	۱۱۹,۷۶	۱۲۴,۱۳	۱۱۷,۹۲	۱۲۵,۲۸	۱۲۵,۰۴	۱۱۵,۸۳	۱۱۰,۳۵
مرکزی	۱۰۹,۲۳	۱۱۳,۵۵	۱۰۷,۷۰	۱۱۰,۳۸	۱۰۷,۳۵	۱۰۷,۰۲	۱۰۹,۴۰
هرمزگان	۹۶,۶۶	۱۲۷,۶۵	۱۰۸,۷۳	۱۰۶,۵۵	۹۰,۶۷	۷۵,۵۸	۷۰,۷۵
همدان	۱۲۴,۴۸	۱۳۷,۸۵	۱۲۶,۴۳	۱۲۹,۱۷	۱۲۱,۵۹	۱۱۸,۶۸	۱۱۳,۱۴
یزد	۱۰۸,۸۳	۱۲۰,۶۵	۱۱۵,۴۹	۱۱۷,۵۴	۱۰۹,۸۱	۹۳,۲۲	۹۶,۲۷

## ۲. میزان عمومی طلاق

باتوجه به جدول شماره ۲، میزان عمومی طلاق\* کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ روندی کاملاً صعودی داشته است. یعنی از ۱۰/۱ در ده هزار نفر در سال ۱۳۸۱ به ۱۳/۹ در ده هزار نفر در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است. با مقایسه میزان عمومی طلاق در استانها مشاهده می‌شود که حدود نیمی از استانهای کشور (۱۴ استان) کاملاً از روند افزایش میزان عمومی طلاق کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ تبعیت می‌کنند. یعنی میزان عمومی طلاق استانهای خراسان جنوبی، رضوی، شمالی، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، لرستان و مازندران طی این شش سال روندی کاملاً صعودی داشته و به بیشترین میزان خود در سال ۱۳۸۶ رسیده است و نیز روند میزان عمومی طلاق سایر استانها با نوسان همراه بوده است.

در سال ۱۳۸۶، استان تهران با ۱۹/۵ در ده هزار بیشترین میزان عمومی طلاق را داشته که پس از آن استانهای خراسان رضوی، کرمانشاه و قم به ترتیب با ۱۸/۹، ۱۸/۸ و ۱۵/۵ در ده هزار در مراتب بعدی قرار داشته‌اند و استان سیستان و بلوچستان با ۴/۲ در ده هزار نفر کمترین میزان عمومی طلاق را داشته که پس از آن استانهای ایلام، چهارمحال و بختیاری و یزد به ترتیب با ۴/۹، ۶/۴، ۶/۶ در ده هزار در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند.

### میانگین شش ساله میزان عمومی طلاق کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ برابر

۱۱/۹ در ده هزار نفر بوده است. با توجه به جدول (۲) استان تهران با ۱۷/۱ بیشترین میانگین شش ساله میزان عمومی طلاق را داشته که پس از آن استانهای کرمانشاه، کردستان، قم و خراسان رضوی به ترتیب با ۱۶/۳، ۱۵/۵، ۱۵/۰، ۱۴/۵ در ده هزار در مراتب بعدی قرار گرفته

\*  $10000 \times \frac{\text{تعداد طلاق در یک سال}}{\text{میزان عمومی طلاق}}$

اند. همچنین استان سیستان و بلوچستان با ۳/۳ در ده هزار کمترین میانگین میزان عمومی طلاق را داشته که پس از آن استانهای ایلام، چهارمحال و بختیاری و یزد به ترتیب با ۴/۱، ۵/۱، ۵/۴، در ده هزار در مراتب بعدی قرار گرفته اند. میانگین شش ساله میزان عمومی طلاق، تنها در ۹ استان کشور از متوسط کشوری (۱۱/۹ در ده هزار) بیشتر بوده است، در صورتیکه اکثر استانها (۲۱ استان) از متوسط کشوری میانگین کمتری را نشان می دهند. چنانچه بخواهیم میزان عمومی طلاق سال ۱۳۸۶ را با سال ۱۳۸۱ مقایسه نماییم، مشاهده می شود که این میزان در همه استانهای کشور در سال ۱۳۸۶ با افزایش همراه بوده است.

میزان عمومی طلاق کشور در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۱ حدود ۴ در ده هزار (۰/۰۴ درصد) افزایش داشته است که استانهای خراسان رضوی و کردستان با حدود ۷ در ده هزار بیشترین افزایش و استانهای فارس، کرمانشاه، گیلان و مازندران با حدود ۵ در ده هزار نفر در مراتب بعدی قرار داشته اند. همچنین استانهای ایلام، سیستان و بلوچستان، مرکزی و هرمزگان با کمتر از دو در ده هزار کمترین افزایش را داشته اند.

لازم به ذکر است که استان سیستان و بلوچستان دارای کمترین میانگین شش ساله میزان عمومی ازدواج (۷۴/۵ در ده هزار) و همچنین میانگین میزان عمومی طلاق (۳/۳ در ده هزار) در میان استانها بوده است، در حالیکه استان تهران دارای بیشترین میانگین میزان عمومی ازدواج (۱۷/۱) در ده هزار) و استان اردبیل دارای بیشترین میانگین میزان عمومی ازدواج (۱۲۸/۲ در ده هزار) در میان استانها بوده اند.

## - مقایسه میزان عمومی طلاق سال ۱۳۸۶ با ۱۳۸۵

میزان عمومی طلاق کشور در سال ۱۳۸۶، برابر ۱۳/۹ در ده هزار بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵ با افزایشی معادل ۰/۶۹ در ده هزار مواجه بوده و از ۱۳/۳ در سال ۱۳۸۵ به ۱۳/۹ در ده هزار در سال ۱۳۸۶ رسیده است. در همین سال میزان عمومی طلاق کشور در اکثر استانها یعنی ۲۲ استان کشور، نسبت به سال ۱۳۸۵ با افزایش مواجه بوده است و فقط ۸ استان اندکی کاهش داشته اند. میزان طلاق استان خراسان رضوی از ۱۶/۶ در ده هزار در سال ۱۳۸۵ به ۱۸/۹ در ده هزار با ۲/۳ در ده هزار، بیشترین افزایش را در میان استانها داشته است که پس از آن استانهای کردستان و لرستان به ترتیب با حدود ۱/۴ و ۱/۲ در ده هزار بیشترین افزایش میزان طلاق را در سال ۱۳۸۶ داشته اند. کمترین افزایش نیز مربوط به استان قزوین با ۰,۳ در ده هزار نفر می باشد که از ۱۰/۵ در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۸ در ده هزار نفر در سال ۸۶ رسیده است. ضمناً بیشترین کاهش میزان عمومی طلاق در سال ۸۶ نسبت به سال ۸۵ مربوط به استان قم با ۱/۵ در ده هزار نفر می باشد، یعنی از ۱۷/۰ در سال ۸۵ به ۱۵/۵ در ده هزار نفر در سال ۱۳۸۶ رسیده است.

جدول ۲: میزان عمومی طلاق (در ده هزار نفر)

سال ۸۱	سال ۸۲	سال ۸۳	سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	میانگین	
۱۰,۱۴	۱۰,۷۵	۱۰,۸۱	۱۲,۱۴	۱۳,۳۴	۱۳,۹۴	۱۱,۸۶	کل کشور
۸,۲۵	۸,۸۶	۹,۸۷	۹,۶۷	۱۰,۹۵	۱۱,۸۴	۹,۹۱	آذربایجان شرقی
۸,۹۳	۸,۳۵	۸,۸۸	۱۰,۶۷	۱۱,۹۴	۱۲,۸۰	۱۰,۲۶	آذربایجان غربی
۷,۸۳	۸,۴۹	۸,۸۱	۱۰,۲۵	۱۱,۸۳	۱۱,۰۸	۹,۷۲	اردبیل
۹,۱۳	۱۲,۹۸	۱۰,۵۷	۱۰,۹۹	۱۳,۳۳	۱۲,۲۳	۱۱,۵۴	اصفهان
۴,۵۰	۳,۴۷	۳,۳۴	۴,۰۶	۴,۲۰	۴,۸۶	۴,۰۷	ایلام
۹,۷۵	۱۰,۴۳	۱۱,۱۱	۱۲,۹۷	۱۴,۵۸	۱۳,۷۰	۱۲,۰۹	بوشهر
۱۵,۷۹	۱۶,۲۰	۱۵,۴۶	۱۷,۱۶	۱۸,۳۹	۱۹,۵۰	۱۷,۰۹	تهران
۴,۳۵	۳,۵۱	۴,۸۱	۵,۸۳	۵,۸۶	۶,۳۵	۵,۱۲	چهارمحال و بختیاری
*	*	۶,۰۰	۷,۵۹	۸,۲۰	۸,۸۵	۷,۶۶	خراسان جنوبی
۱۱,۷۲	۱۱,۹۲	۱۳,۰۴	۱۴,۷۸	۱۶,۵۷	۱۸,۸۷	۱۴,۴۸	خراسان رضوی
*	*	۷,۸۵	۹,۰۴	۱۰,۸۱	۱۱,۸۳	۹,۸۸	خراسان شمالی
۷,۸۶	۸,۸۶	۸,۳۰	۹,۲۱	۱۰,۲۲	۹,۷۴	۹,۰۳	خوزستان
۸,۴۴	۸,۱۱	۹,۲۱	۱۰,۵۵	۱۱,۵۷	۱۲,۵۶	۱۰,۰۷	زنجان
۶,۲۶	۶,۶۱	۷,۲۱	۷,۷۵	۸,۷۸	۹,۱۹	۷,۶۳	سمنان
۲,۶۲	۲,۵۵	۲,۸۸	۳,۶۰	۳,۷۰	۴,۲۰	۳,۲۶	سیستان و بلوچستان
۹,۱۱	۱۰,۲۷	۱۱,۰۷	۱۲,۴۰	۱۳,۱۵	۱۴,۳۷	۱۱,۷۳	فارس
۶,۸۶	۷,۵۶	۸,۶۷	۹,۵۲	۱۰,۵۱	۱۰,۷۷	۸,۹۸	قزوین
۱۳,۸۷	۱۳,۸۶	۱۴,۴۷	۱۵,۳۳	۱۷,۰۸	۱۵,۵۰	۱۵,۰۲	قم
۱۲,۲۸	۱۳,۰۶	۱۴,۴۵	۱۶,۳۶	۱۷,۸۰	۱۹,۱۸	۱۵,۵۲	کردستان
۷,۰۹	۷,۴۹	۷,۵۷	۹,۴۲	۱۰,۲۱	۱۱,۰۵	۸,۸۰	کرمان
۱۴,۰۳	۱۴,۲۵	۱۴,۹۶	۱۷,۰۵	۱۸,۳۷	۱۸,۸۱	۱۶,۲۵	کرمانشاه
۵,۵۵	۶,۰۸	۶,۰۶	۷,۵۱	۸,۵۰	۹,۳۲	۷,۱۷	کهگیلویه و بویراحمد
۶,۱۰	۶,۲۵	۶,۶۷	۷,۵۲	۹,۲۷	۹,۹۰	۷,۶۲	گلستان
۸,۳۵	۸,۷۷	۹,۷۳	۱۰,۷۷	۱۳,۱۷	۱۲,۹۷	۱۰,۶۳	گیلان
۸,۰۴	۸,۹۷	۹,۳۸	۱۰,۶۷	۱۱,۰۶	۱۲,۲۸	۱۰,۰۷	لرستان
۱۰,۰۳	۱۰,۶۰	۱۱,۰۰	۱۳,۰۰	۱۴,۱۲	۱۴,۵۸	۱۲,۲۲	مازندران
۱۱,۳۸	۱۱,۷۸	۱۲,۳۵	۱۴,۱۹	۱۴,۰۴	۱۳,۲۹	۱۲,۸۴	مرکزی
۷,۲۷	۶,۶۶	۷,۵۲	۹,۷۶	۹,۸۲	۸,۹۹	۸,۳۴	هرمزگان
۱۰,۴۱	۱۰,۳۸	۱۱,۴۸	۱۲,۸۷	۱۴,۲۰	۱۴,۴۷	۱۲,۳۰	همدان
۴,۴۰	۴,۴۵	۵,۰۹	۵,۹۶	۵,۷۴	۶,۵۶	۵,۳۷	یزد

### ۳. نسبت طلاق به ازدواج

با استفاده از داده های ازدواج و طلاق می توان شاخص دیگری ساخت که به بررسی جنبه ای دیگر از ازدواج و طلاق می پردازد.

جدول شماره ۳ نشان می دهد که نسبت طلاق به ازدواج\* کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ از روندی یکنواخت برخوردار نبوده و با نوساناتی همراه بوده است، به این ترتیب که طی سالهای ۸۲ - ۱۳۸۱ با افزایش (از ۱۰/۳ به ۱۰/۶) روبرو بوده ولی طی سالهای ۸۳ - ۱۳۸۲ با کاهش (از ۱۰/۶ به ۱۰/۲) مواجه شده است، سپس طی سالهای ۸۵ - ۱۳۸۳ با افزایش (از ۱۰/۲ به ۱۲/۱) روبرو شده و سرانجام دوباره طی سالهای ۸۶ - ۸۵ این نسبت، کاهش (از ۱۲/۱ به ۱۱/۹) یافته است. در مجموع، نسبت طلاق به ازدواج کشور طی سالهای ۸۶ - ۸۱ با افزایش روبرو بوده و از ۱۰/۳ در سال ۸۱ به ۱۱/۹ درصد در سال ۸۶ رسیده است و افزایشی معادل ۱/۶ درصد داشته است. با مقایسه نسبت طلاق به ازدواج در استانها مشاهده می شود که فقط ۵ استان خراسانهای جنوبی، رضوی، شمالی، فارس و لرستان روندی کاملاً صعودی را طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ داشته اند و در سال ۱۳۸۶ این نسبت به بالاترین حد خود رسیده است، این در حالیست که روند تغییرات ۲۵ استان دیگر همانند روند تغییرات کشور دارای نوساناتی بوده است. در سال ۱۳۸۶، استان تهران با ۲۱/۹ درصد، (هر ۵ ازدواج یک مورد به طلاق انجامیده است) دارای بیشترین نسبت طلاق به ازدواج بوده و در مرتبه دوم استان کرمانشاه با ۱۵/۷ درصد قرار داشته است، در حالیکه استان سیستان و بلوچستان با ۴/۰ درصد (یعنی از هر ۲۵ ازدواج یک مورد آن به طلاق منجر شده است) کمترین نسبت را داشته و استانهای ایلام و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۴/۴ و ۴/۶ درصد در مراتب بعدی قرار داشته اند.

\*  $\times 100 = \frac{\text{تعداد طلاق در یک سال}}{\text{تعداد ازدواج به ازدواج}}$

استان تهران در هر سه شاخص رتبه اول را کسب نموده است که هرچند ناشی از شرایط زندگی در شهری مانند تهران است ولی این مسئله می تواند نگرانیهایی را در پی داشته باشد.

**میانگین شش ساله نسبت طلاق به ازدواج کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ برابر ۱۱/۰ درصد بوده است.** یعنی حدوداً از هر ۹ ازدواج، یک مورد آن به طلاق منجر شده است، که آمار خوبی به نظر نمی رسد. با توجه به جدول ۳، میانگین شش ساله نسبت طلاق به ازدواج هشت استان کشور، بیشتر از متوسط کشوری (۱۱/۰ درصد) بوده است. یعنی استان تهران با ۱۹/۳ درصد دارای بیشترین میانگین بوده که پس از آن استانهای کرمانشاه، قم و کردستان به ترتیب با ۱۴/۳، ۱۳/۲ و ۱۲/۵ درصد در مراتب بعدی قرار داشته اند. همچنین استانهای ایلام، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و یزد با کمتر از ۵ درصد کمترین میانگین را داشته اند. چنانچه بخواهیم نسبت طلاق به ازدواج سال ۱۳۸۶ را با سال ۱۳۸۱ مقایسه نماییم، مشاهده می شود که این نسبت در اکثر استانها (۲۶ استان) در سال ۱۳۸۶ با افزایش همراه بوده است و فقط ۴ استان ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان نسبت به سال ۸۶ با کاهش در این شاخص مواجه بوده اند. نسبت طلاق به ازدواج کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ با ۱/۵ درصد افزایش روبرو بوده است و از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. در میان استانها، استان تهران با ۴ درصد بیشترین افزایش نسبت طلاق به ازدواج را در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۱ داشته است و بعد از آن استانهای خراسان رضوی، گیلان و کردستان به ترتیب با ۳/۷، ۳/۶ و ۳/۵ درصد در مراتب بعدی قرار گرفته اند. استانهای آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، قم، کهگیلویه و بویراحمد و یزد با کمتر از ۱ درصد با کمترین افزایش روبرو بوده اند.

### - مقایسه نسبت طلاق به ازدواج سال ۱۳۸۶ با ۱۳۸۱

نسبت طلاق به ازدواج کشور در سال ۱۳۸۶، برابر ۱۱/۹ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵ با **کاهش** معادل ۰/۲ درصد مواجه بوده و از ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. این نسبت در سال ۱۳۸۶ در یک سوم استانها یعنی ۱۰ استان نسبت به سال ۱۳۸۵ با افزایش مواجه بوده است و در اکثر استانها (۲۰ استان) با کاهش مواجه بوده است. در سال ۱۳۸۶ بیشترین افزایش نسبت طلاق به ازدواج در استان خراسان رضوی بوده که از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۴/۰ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده و افزایشی معادل ۱/۳ درصد داشته است. پس از آن استانهای کرمان و یزد به ترتیب با ۰/۶ و ۰/۵ درصد بیشترین افزایش نسبت طلاق به ازدواج را داشته اند. ضمناً بیشترین کاهش نیز مربوط به استان بوشهر با ۲/۲ درصد می باشد که از ۱۳/۴ در سال ۸۵ به ۱۱/۲ درصد در سال ۸۶ کاهش یافته است و پس از آن استان قم با ۱/۶ درصد بیشترین کاهش را داشته است.

جدول ۳: نسبت طلاق به ازدواج (درصد)

سال ۸۱	سال ۸۲	سال ۸۳	سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	میانگین	
۱۰,۳۳	۱۰,۶۲	۱۰,۲۱	۱۰,۶۹	۱۲,۰۹	۱۱,۸۷	۱۰,۹۷	کل کشور
۸,۰۶	۸,۱۸	۸,۶۱	۷,۹۷	۹,۱۳	۹,۲۸	۸,۵۴	آذربایجان شرقی
۹,۱۵	۷,۸۵	۸,۰۲	۸,۸۷	۹,۸۴	۹,۷۱	۸,۹۱	آذربایجان غربی
۶,۷۷	۷,۰۱	۶,۹۰	۷,۶۱	۹,۰۰	۸,۰۲	۷,۵۵	اردبیل
۹,۱۳	۱۳,۳۳	۱۰,۷۴	۱۰,۳۴	۱۲,۸۴	۱۱,۲۰	۱۱,۳۶	اصفهان
۵,۴۴	۳,۸۸	۳,۴۸	۴,۰۵	۴,۳۱	۴,۳۸	۴,۲۶	ایلام
۱۰,۰۴	۱۰,۲۲	۱۰,۴۱	۱۱,۴۸	۱۳,۳۷	۱۱,۲۴	۱۱,۱۳	بوشهر
۱۷,۹۳	۱۸,۲۱	۱۷,۳۹	۱۸,۹۷	۲۱,۴۷	۲۱,۹۳	۱۹,۳۲	تهران
۴,۳۰	۳,۷۹	۴,۴۴	۴,۶۰	۴,۸۴	۴,۶۰	۴,۴۳	چهارمحال و بختیاری
۰	۰	۵,۶۲	۶,۹۱	۶,۹۶	۷,۱۷	۶,۶۶	خراسان جنوبی
۱۰,۲۸	۱۰,۶۹	۱۰,۷۷	۱۱,۰۵	۱۲,۷۲	۱۳,۹۷	۱۱,۵۸	خراسان رضوی
۰	۰	۶,۵۱	۶,۷۸	۸,۰۵	۸,۰۴	۷,۳۵	خراسان شمالی
۸,۵۲	۹,۱۹	۷,۹۰	۷,۱۷	۹,۰۱	۸,۰۶	۸,۳۱	خوزستان
۷,۸۹	۶,۷۶	۷,۶۸	۸,۳۶	۹,۱۴	۹,۱۱	۸,۱۶	زنجان
۶,۸۹	۷,۴۰	۸,۴۳	۸,۷۷	۹,۵۳	۹,۰۵	۸,۳۵	سمنان
۴,۶۰	۴,۰۱	۴,۵۹	۴,۶۵	۴,۴۸	۴,۰۳	۴,۳۹	سیستان و بلوچستان
۹,۵۴	۱۰,۲۰	۱۰,۳۲	۱۰,۷۵	۱۱,۳۰	۱۱,۵۳	۱۰,۶۱	فارس
۶,۵۴	۷,۰۵	۸,۰۷	۸,۳۲	۹,۵۵	۹,۲۸	۸,۱۳	قزوین
۱۳,۰۷	۱۳,۱۷	۱۲,۵۵	۱۲,۸۱	۱۴,۶۹	۱۳,۱۱	۱۳,۲۳	قم
۱۰,۶۹	۱۰,۸۸	۱۱,۷۱	۱۲,۸۴	۱۴,۴۴	۱۴,۱۳	۱۲,۴۵	کردستان
۷,۳۵	۷,۸۷	۶,۶۳	۸,۱۴	۸,۸۴	۹,۴۴	۸,۰۵	کرمان
۱۳,۳۵	۱۲,۷۷	۱۳,۲۶	۱۴,۷۶	۱۵,۷۷	۱۵,۶۸	۱۴,۲۷	کرمانشاه
۶,۷۰	۶,۳۸	۶,۱۷	۶,۹۲	۷,۶۷	۷,۶۷	۶,۹۲	کهگیلویه و بویراحمد
۶,۱۰	۵,۶۸	۵,۵۹	۵,۶۶	۷,۰۹	۷,۱۳	۶,۲۱	گلستان
۷,۳۳	۷,۴۶	۸,۴۷	۹,۰۷	۱۱,۴۳	۱۰,۹۴	۹,۱۱	گیلان
۷,۵۳	۸,۲۴	۸,۴۲	۸,۴۱	۹,۲۳	۹,۵۹	۸,۵۷	لرستان
۹,۰۹	۹,۱۵	۸,۸۰	۱۰,۳۸	۱۱,۹۷	۱۱,۷۵	۱۰,۱۹	مازندران
۱۰,۴۰	۱۱,۰۱	۱۱,۵۰	۱۲,۸۶	۱۳,۰۴	۱۱,۷۱	۱۱,۷۵	مرکزی
۱۰,۲۸	۸,۸۱	۸,۳۰	۹,۱۶	۹,۰۴	۷,۰۴	۸,۷۷	هرمزگان
۹,۲۰	۸,۷۴	۹,۴۴	۹,۹۷	۱۱,۲۳	۱۰,۵۰	۹,۸۵	همدان
۴,۵۷	۴,۷۸	۴,۶۴	۵,۰۷	۴,۹۷	۵,۴۴	۴,۹۱	یزد

## نتیجه گیری و پیشنهاد

با بررسی آمار و نتایج حاصله از شاخصهای ازدواج و طلاق در کشور و استانها می توان به نتایج زیر اشاره نمود:

- میزان عمومی ازدواج کشور و تمامی استانها طی سالهای ۸۶-۱۳۸۱ با روندی افزایشی روبرو بوده است و در سال ۸۶ به بیشترین حد خود رسیده است که روندی رضی کننده به نظر می رسد و نشان از رواج ازدواج نزد جوانان می باشد، ولی برخی استانها از جمله استان تهران از کمترین میزان ازدواج برخوردار بوده است و حتی تغییرات آن بین سالهای ۸۶-۱۳۸۱ نیز بسیار اندک بوده و رضایت بخش نمی باشد که این امر ناشی از نوع و شرایط زندگی در کلانشهرها و کاهش رغبت و آمادگی جوانان برای امر ازدواج، بدلیل شرایط سخت زندگی از جمله تهیه مسکن، یافتن شغل، هزینه های بالای زندگی و نیز شرایط بد اقتصادی خانوادهها و سخت گیری خانوادهها در امر ازدواج می باشد. برعکس استانهای کوچک که از میزان شهر نشینی کمتری برخوردارند و بیشتر سنتی هستند، تهیه مسکن، شغل و ساده گیری خانواده ها در امر ازدواج، ازدواج را سهلتر نموده و رغبت جوانان را به سوی ازدواج بیشتر می نماید و روند افزایشی مناسبی را در این شاخص نشان می دهد که استانهای آذربایجان غربی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان از این جمله اند.

- میزان عمومی طلاق کشور طی سالهای ۸۶ - ۱۳۸۱ روند صعودی داشته که این میزان تقریباً در تمامی استانهای کشور افزایش داشته است. طلاق، دلایل متعددی از جمله مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... می تواند داشته باشد. اگر این روند صعودی همچنان ادامه پیدا کند، به بحرانی تبدیل می شود که ابتدا خانوادهها و سپس جامعه را مورد تهدید قرار داده و زمینه بروز بسیاری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی را فراهم می نماید.

استان تهران، بیشترین آمار طلاق را به خود اختصاص داده هست و این امر حائز کمال توجه است زیرا در سالهای آتی با مشکلاتی چون فرزندان بی سرپرست، مشکل حضانت از آنان، افزایش زنان مطلقه و مشکل اشاعه مواجه خواهد بود.

- نسبت طلاق به ازدواج کشور پس از نوساناتی که طی سالهای ۸۶-۱۳۸۱ داشته، در سال ۱۳۸۶ با افزایش همراه بوده است. این افزایش در تمامی استانهای دیگر نیز دیده می شود.

- استان تهران در میزان عمومی ازدواج در رده اول کمترینها، در میزان عمومی طلاق و نیز نسبت طلاق به ازدواج، در رده اول بیشترینها قرار دارد.

لذا پیشنهاد می شود که دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق رسانه های گروهی، فرهنگ سازی لازم را جهت سهل و آسان نمودن امر ازدواج در جامعه فراهم آورده و با اعطای وام و واگذاری خانه های ارزان قیمت، همچنین زمینه اشتغال و کار را در استانهای محروم فراهم نماید تا مهاجرت جوانان به شهرها کاسته شود، زیرا اکثر این جوانان به دلیل نداشتن شغل و سرگردانی در شهرهای بزرگ کمتر رغبت به ازدواج پیدا می کنند.

همچنین مسؤولین و دولتمردان توجه خاصی به استان تهران داشته باشند و با برنامه ریزی و بستر سازی مناسب فرهنگی و آموزشی، خانواده ها و جوانان در سن ازدواج را آموزش داده و زمینه ها و تسهیلات لازم را برای بهبود این شاخصها در کشور و بخصوص استان تهران فراهم آورند.

## منابع:

- ۱- ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول، کیهان، ۱۳۷۰
- ۲- ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، سروش، ۱۳۷۰
- ۳- ساروخانی، باقر، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- ۴- سازمان ثبت احوال کشور، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۰، ۱۳۷۳
- ۵- هومن، حیدرعلی، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، چاپ اول، پارسا، ۱۳۷۳
- ۶- قائمی، علی، خانواده و مسائل همسران جوان، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۴
- ۷- احمدی موحد، محمد، مجموعه مقالات اولین همایش انجمن جمعیت شناسی، بررسی شاخصه‌های ازدواج و طلاق طی سالهای ۸۱-۱۳۷۵، ۱۳۸۲
- ۸- سازمان ثبت احوال کشور، آمار و اطلاعات وقایع چهارگانه
- ۹- مرکز آمار ایران، جمعیت برآورد شده سالهای ۸۴-۱۳۸۱ و سرشماری جمعیت سال ۱۳۸۵